



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences

Research Institute Social Studies

P. ISSN: 2345-5705 & E. ISSN: 2717-3720

Website: <http://gofteman.isri.ac.ir>

Volume: 1; Number: 2

Investigating the cultural components of Arba'een Pilgrimage

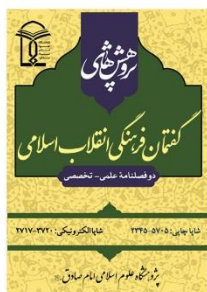
Mehdi Islami*, Masoumeh Dastjani Farahani*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.296020.1004>

Received: 2021/7/20 - Accepted: 2025/1/12

Type of Article: Research

(9-32)



Abstract

Travelogues contain valuable data from social and political realities. One of the most prominent types of travelogue writing is the religious-religious travelogue. With the advent of the Arba'een Pilgrimage in recent years, we are witnessing the writing of travelogues that narrate this event. The present study examines the stylistic components of the Arbaeen travelogues as a literary genre. Among the ten Arbaeen travelogues, the travelogues "At the Order of My Mother", "Khes bi Saropa", "Derangi dar Najaf" and "Seyed Man Hosseini", which adhered to the principles of travelogue writing, were selected and examined in three levels: linguistic, literary and content. At the linguistic level, the most frequently extracted vocabulary was extracted, which shows that the vocabulary of the texts is in accordance with the discourse of the work. At the sentence level, the most important features of the works can be considered informal events, the use of verses and narrations, the use of passages from poetic texts and non-Persian propositions. The use of various forms of humor is the most important linguistic-literary component of the works. At the literary level, the most important literary industries are: simile, irony, discernment, and description. At the intellectual level, obvious components have been extracted in the field of politics, society and culture. The results of the research indicate that the collection of linguistic and literary tools and arrangements has been selected according to the dominant discourse of the work, ie the reflection of the Arbaeen sidewalk as a cultural, social, political and religious movement.

Keywords: "Traveller"; "Stylish"; "On the order of my mother"; "Khes Bi Saropa"; "Drangi in Najaf"; "Sayed Man Hosseini"

*. Director of the Literature and Arts
Department, m.eslami@isri.ac.ir.

** .Sociology researcher,
sobhesadegh3@gmail.com.



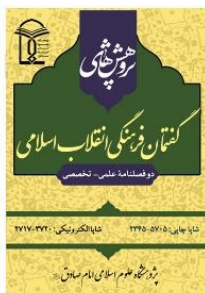
پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق

پژوهشگاه کتب مطالعات اجتماعی

P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299

http://goltemann.isri.ac.ir

شماره اول: شماره دوم



* مدیر گروه ادبیات و هنر: m.eslami@isri.ac.ir
** پژوهشگر جامعه‌شناسی: sobhesadegh3@gmail.com

واکاوی مؤلفه‌های فرهنگی سفرنامه‌های اربعین

مهدی اسلامی*، معصومه دستجانی فراهانی**

Doi: <https://doi.org/10.22034/redir.2025.296020.1004>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۲۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳

نوع مقاله: پژوهشی

(۹-۳۲)

چکیده

سفرنامه‌ها حاوی داده‌های باارزشی از واقعیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هستند. از گونه‌های برجسته سفرنامه‌نویسی، سفرنامه دینی-مذهبی است. با گسترش پیاده‌روی اربعین در سال‌های اخیر، شاهد نگارش سفرنامه‌هایی هستیم که این رویداد را روایت می‌کنند. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی، مؤلفه‌های فرهنگی سفرنامه‌های اربعین را همچون یک «گونه ادبی» واکاوی می‌کند. از میان ده سفرنامه اربعین، چهار سفرنامه «به سفارش مادرم»، «خس بی‌سروپا»، «درنگی در نجف» و «سید من حسینی» که پایبند به اصول سفرنامه‌نویسی بوده‌اند، برگزیده و در دو سطح زبانی و محتوایی بررسی شدند. در سطح زبانی، پربسامدترین واژگان استخراج شدند که دستاورد بحث نشان می‌دهد طیف واژگانی این متون، مطابق با گفتمان اثر است. به کارگیری گونه‌های طنز، مهم‌ترین مؤلفه زبانی-ادبی این آثار است. در سطح فکری و محتوایی، نتیجه پژوهش بیانگر آن است که تمهیدات زبانی و محتوایی به کاررفته، متناسب با گفتمان حاکم بر اثر بوده و بازتاب پیاده‌روی اربعین، در نقش یک نهضت فکری، اجتماعی، سیاسی و مذهبی، گزینش شده است.

واژگان کلیدی: سفرنامه، سبک‌شناسی، به سفارش مادرم، خس بی‌سروپا، درنگی در نجف، سید من حسینی.

مقدمه

هم‌زمان با حضور گسترده مردم ایران در پیاده‌روی اربعین، شاهد افزایش نگارش سفرنامه‌های اربعین هستیم. سفرنامه‌های اربعین به دلیل بازنمایی رفتاری فرهنگی-دینی، از منظر ترویج گفتمان اسلامی-انقلابی، اهمیت ویژه‌ای دارند و تحلیل علمی این آثار، داده‌ها و یافته‌های ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. بیشتر این آثار، افزون بر دارا بودن ارزش‌های فرهنگی-اجتماعی، با توجه به شاخصه‌هایی که دارند، در چارچوب آثار ادبی قرار می‌گیرند. وجود برجستگی‌های زبانی، نحوی و ادبی، و نیز گنجاندن احساس و عاطفه در بیشتر این آثار، آن‌ها را در زمره آثار ادبی قرار می‌دهد. از آنجاکه تاکنون پژوهشی به بررسی ابعاد فرهنگی-ادبی سفرنامه‌های اربعین نپرداخته است، انجام پژوهشی مستقل برای واکاوی مؤلفه‌های آن ضروری به نظر می‌رسد. از این رو، این پژوهش سفرنامه‌های اربعین را همچو یک اثر ادبی مورد بررسی قرار داده است.

۱. پیشینه پژوهش

بر اساس بررسی‌های انجام شده، تاکنون پژوهشی به ابعاد فرهنگی-اجتماعی سفرنامه‌های مورد اشاره در این تحقیق نپرداخته است. در زمینه‌های نزدیک به حوزه پژوهش نیز تنها یک مقاله درباره سفرنامه‌های عتبات یافت شد که اختصاص به دوره قاجار دارد. دیگر پژوهش‌ها به بررسی ابعاد گردشگری و رسانه‌ای سفر اربعین پرداخته‌اند. با این اوصاف، به ارائه شماری از یافته‌های نزدیک به حوزه پژوهش می‌پردازیم:

جوکار و نظری‌نسب (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی سبک‌شناسی سفرنامه‌های عتبات در دوره قاجار پرداخته‌اند و پنج سفرنامه را از دیدگاه سبک‌شناسی ساختاری تحلیل کرده‌اند. سلیمانیه (۱۳۹۷)، از منظر جامعه‌شناسی، پیاده‌روی اربعین را بررسی کرده و دانسته‌ها و نادانسته‌های این سفر را مورد مطالعه قرار داده است. مظاهری (۱۳۹۷) نیز به انگیزه‌ها و پیامدهای رشد تصاعدی آمار شرکت‌کنندگان در این سفر پرداخته و در ادامه، انواع جاذبه‌های آن اعم از سیاسی، بین‌المللی و... را واکاوی کرده است.

۲. پرسش پژوهش

مؤلفه‌های فرهنگی سفرنامه‌های اربعین به‌عنوان یک «گونه ادبی» کدام است؟

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی و استخراج ویژگی‌های سفرنامه‌های اربعین پرداخته است. روش گردآوری داده‌ها به این صورت بود که ابتدا گزاره‌ها، واژه‌ها، صنایع ادبی و اندیشه‌های حاکم بر نوشتار، که از سوی سفرنامه‌نویسان تعمیم داده شده بودند، استخراج شدند. سپس در چارچوب سبک‌شناسی، تحلیل و به‌عنوان ویژگی‌های سبکی دسته‌بندی شدند. آن دسته از مطالب که بسامد کمتری داشتند یا تنها در یک یا دو سفرنامه مشاهده شدند، در این دسته‌بندی قرار نگرفتند و از شمول بحث خارج شدند.

شیوه کار این گونه بود که در گام نخست، چند سفرنامه اربعین بررسی و در نهایت، چهار کتاب گزینش شد. معیار اصلی گزینش، رعایت اصول سفرنامه‌نویسی بود. علاوه بر این، آثار انتخابی دارای ملاک‌های چهارگانه زیر بودند که برخی از سفرنامه‌های اربعین نیز به‌صراحت به آن‌ها اشاره کرده‌اند:

الف) پایبندی به اصل لحظه‌نگاری: در همه آثار گزینشی، بیشتر رویدادها در زمان وقوع ثبت شده‌اند تا در سفرنامه منعکس شوند. با این همه، در مواردی که زمان کافی برای نگارش در لحظه وقوع رویداد وجود نداشته، نویسندگان آن‌ها را یادداشت و با کلیدواژه‌هایی ثبت کرده و در نخستین فرصت، آن لحظه ویژه را نگاشته‌اند.

ب) پایبندی به مشاهده: اساسی‌ترین رکن در ثبت خاطرات و سفرنامه‌ها، مشاهده است. نویسندگان این آثار، بیشتر رویدادهایی که بازگو کرده‌اند، برپایه دیده‌های خودشان است و کمتر به نقل قول از دیگران پرداخته‌اند.

ج) بازگویی رویدادها براساس عناصر زمان، مکان و احوال: خواننده در این سفرنامه‌ها همواره شاهد تکرار این عناصر است. در واقع، می‌توان گفت سفرنامه‌های موردبحث، گسترش یافته عناصر یادشده هستند.

د) ترسیم موقعیت و رعایت اصل راهنمایی: در این چهار اثر، تصاویر، نقشه‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی ازسوی نویسندگان در آثار گنجانده شده است و اغلب دارای پانویشت و توضیحاتی هستند که به تشریح ابعاد، مختصات و دیگر اطلاعات لازم برای مخاطبان و زائران پرداخته‌اند.

۳-۱. معرفی کتاب‌ها:

همان‌گونه که بیان شد، این پژوهش برپایه بررسی چهار کتاب در حوزه سفرنامه‌نویسی اربعین شکل گرفته است که به‌اجمال معرفی می‌شوند:

کتاب «به‌سفارش مادرم» نوشته احسان حسینی نسب است. نویسنده در مقدمه کتاب، انگیزه حضور در این سفر را علاقه مادرش به شرکت در سفر اربعین بیان می‌کند. راوی در پیش‌درآمد سفرنامه، هیچ تمایلی به این سفر نشان نمی‌دهد ولی با فرجام سفر، خواننده شاهد دگرذیسی روحی نویسنده است. این کتاب در ۲۳ روایت به نگارش درآمده است.

کتاب «درنگی در نجف» اثر جواد کلاته عربی است. نویسنده کتاب را چنین معرفی کرده است: «خواستم روایتی روان و تصویری شفاف از لحظه لحظه حضورم در این سفر معنوی، به‌عنوان یک زائر و خادم، ارائه کنم؛ اما خودم را در لحظات ثبت خاطرات و در فرآیند بازنویسی متن، به رعایت اصول ملزم کردم.» این کتاب در ۳۴۴ صفحه، در سال ۱۳۹۵، منتشر شده است.

کتاب «سید من حسینی» نوشته تقی شجاعی است. این سفرنامه، به گفته نویسنده، «روایتی از من در پیاده‌روی اربعین است». روایت پیاده‌روی در ۳۷ بخش نگاشته شده و اسامی بخش‌های تشکیل‌دهنده کتاب، نشان‌دهنده نقاط عطف حضور نویسنده در عراق است. شروع روایت‌ها در این اثر، فراخور یک پیشامد یا یک رخداد ویژه شکل گرفته است. واپسین کتاب، «خس بی‌سروپا»، به‌قلم حمید حسام، روایت پیاده‌روی اربعین سال ۱۴۳۶ هجری قمری است. حضور طولانی مدت نویسنده در هشت سال دفاع مقدس، بارقه‌های فراوانی از صحنه‌های دفاع مقدس را در سفرنامه‌اش متجلی کرده است.

۴. مبانی پژوهش

موضوع سفر و جابه‌جایی از یک نقطه به نقطه دیگر، انعکاس گسترده‌ای در ادب فارسی دارد و اساس شکل‌گیری و بن‌مایه بسیاری از متون ادبی است که به دلیل ماهیت آشنایی‌زدایی، از اهمیتی خاص در نگرش ادبی برخوردار است (رضوانیان، ۱۳۸۸: ۱۷۵). دایره شمول و بررسی سفرنامه، به دلیل آنکه آمیخته‌ای از ادبیات، تاریخ، جغرافیا، جامعه‌شناسی و... است، در حوزه بحث علوم مختلف قرار می‌گیرد. اختلاف نظرهایی درباره قلمداد کردن سفرنامه به‌عنوان یک گونه ادبی فرعی یا یک گونه مستقل وجود دارد (ن.ک: مدرس زاده و بورسید، ۱۳۹۷: ۲). با وجود اختلاف دیدگاه درباره این موضوع، نکته‌ای که اهمیت دارد آن است که «سفرنامه نقطه تلاقی چند نوع ادبی است» (HOOSHMAND, 2011: 3).

سفرنامه‌ها، چون بیشتر به‌دور از تکلف در بیان است و بی‌حکم و دستور و گاه بی‌ملاحظه سیاسی خاص نوشته می‌شود، حاوی اطلاعاتی درباره اوضاع سیاسی و اجتماعی محیط نویسنده است و در جایگاه ادبیات انتقادی-اجتماعی قابل بررسی است (سعادت، ۱۳۸۸، ج ۳: ۶۹۳). هر سفرنامه نوعی گزارش است که نویسنده، یا همان مسافر، در قالب آن مشاهدات خود را بیان می‌کند و تصویری از مشاهدات خود را ارائه می‌دهد که حاوی نکات ارزشمندی برای مورخان، جغرافی‌دانان و مردم‌شناسان است (قلعه آقابابایی، ۱۳۹۷: ۵۰). درون‌مایه و هدف اصلی سفرنامه‌ها، انتقال تجربیات، دیده‌ها و شنیده‌های نویسنده است. نویسندگان کوشیده‌اند تفاوت‌های فرهنگی و مظاهر مختلف تمدن هر ملت را در آثار خود نشان دهند (مدرس زاده و بورسید، ۱۳۹۷: ۵۷).

یکی از گونه‌های مهم سفرنامه‌نویسی، تدوین سفرنامه براساس سفرهای دینی و مذهبی است؛ همان‌گونه که سفر با انگیزه مذهبی، احتمالاً قدیمی‌ترین و رایج‌ترین نوع سفر در تاریخ بشر است (کلبر، ۱۳۹۲: ۵۷). در دین اسلام و مکتب تشیع نیز شاهد سفرهایی با بن‌مایه مذهبی هستیم که مهم‌ترین آن‌ها سفر اربعین یا پیاده‌روی اربعین است. اساس این مراسم، از دیدگاه برخی از علما، ورود اهل بیت علیهم‌السلام به کربلا در اولین اربعین حسینی، سال ۶۱ ه.ق، و دفن سرهای شهدای واقعه عاشورا در کنار بدن‌هایشان بوده است. بسیاری از مورخین

شیعه و اهل سنت نیز بر این عقیده اند که مبنای بزرگداشت این روز، ورود جابر و عطیه به کربلاست (مطهری، ۱۳۶۳: ۳۰). سید محمدعلی قاضی طباطبایی در کتاب «تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهدا»، زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین را سنت و رفتار مداوم شیعیان دانسته که در زمان بنی امیه و بنی عباس نیز به این حرکت پایبند بوده اند (قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۲).

۵. یافته‌های تحقیق

در این بخش، کتاب‌های یادشده را براساس دستگاه‌های زبانی و فکری مورد واکاوی قرار خواهیم داد که هر یک از این دستگاه‌ها نیز به زیربخش‌هایی تقسیم شده‌اند:

۵-۱. دستگاه زبانی

در این دستگاه، واژگان و نحو گزاره‌ها بررسی شده‌اند. از آنجاکه در این گونه آثار، سطح آوایی یا موسیقایی برجستگی ویژه‌ای ندارد، از بررسی آن‌ها چشم‌پوشی کرده‌ایم.

۵-۱-۱. طیف واژگانی

اصلی‌ترین موضوع سفرنامه‌ها، چنان‌که از عنوانشان پیداست، مناسک عبادی، احوال و اعمال سفر اربعین است. از این رو، عمده واژه‌های به کاررفته یا طیف واژگانی، پیرامون اصطلاحات مذهبی است. این طیف از واژگان، افزون بر واژه‌های فارسی، واژه‌های عربی را نیز دربرمی‌گیرد.

طیف بعدی واژگان پرسامد، اصطلاحات نظامی و جنگی است که در دو بخش قابل مشاهده هستند: نخست، اصطلاحات تاریخی مرتبط با قیام عاشورا؛ و دوم، اصطلاحات معاصر که به هشت سال دفاع مقدس، حمله آمریکا به عراق و نیز پدیده داعش مربوط می‌شود.

دسته سوم از واژگان پرکاربرد در متن، به اصطلاحات جغرافیایی، معماری و تاریخی اختصاص دارد که بیشترین آن‌ها به اسامی زیارتگاه‌ها و شهرهای پرتردد و گذرگاه‌های مرزی زائران اختصاص دارد؛ از جمله: شهرهای کربلا، نجف، سامرا، کاظمین، مهران، مرز خسروی و گذرگاه شلمچه.

افزون بر اصطلاحات و واژگان، اسامی و القاب نیز بسامد بالایی در سفرنامه‌ها دارند. بیشترین آن‌ها به اسامی و القاب ائمه معصومین علیهم‌السلام و شهدای کربلا، اسامی شخصیت‌های دینی و مذهبی کشورهای ایران و عراق، اسامی شهدای هشت سال دفاع مقدس، اسامی چهره‌های منفور قیام عاشورا و زمامداران مخالف تشیع، همچون صدام، بن سلمان، آل‌سعود، آل‌خلیفه و ترامپ، اختصاص دارد.

در متون مورد بررسی، افزون بر بسامد فراوان به کارگیری اصطلاحات و واژگان عربی، شاهد تنوع در شکل استفاده نیز هستیم. این تنوع را می‌توان در سه گروه کلی دسته‌بندی کرد: دسته اول، اصطلاحات عربی ویژه اعمال عبادی-دینی برگرفته از آیات قرآن کریم، ادعیه، زیارات و... است؛ دسته دوم، اصطلاحات و واژه‌های به کاررفته در گفت و شنود (مکالمه) با عرب‌ها - به ویژه عراقی‌ها - است و دسته سوم، اصطلاحات و ترکیبات طنز است که در بخش دیگری به صورت تفصیلی بررسی خواهد شد.

| گزاره | کد محوری | کد انتخابی |
|---|----------------|--------------|
| - شروع کردم به خواندن چهار تا دورکعتی، اما یک مشکل وجود داشت: سال‌ها از حال و هوای اوایل جوانی هم می‌گذشت و من سوره‌های سه رکعت آخر نماز شب را یادم رفته بود. همچنین ذکرهایش را خجالت کشیدم از حسن بپرسم. دوباره برگشتم مکه و به مفاتیح‌الجنان نگاه کردم و خواندم، البته بدون بعضی مستحبات (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۱۰۵). | اعمال عبادی | مذهبی |
| - از نیروهای کتائب سیدالشهداست؛ جزو حشدالشعبی. رخت نبرد را از تن درآورده، اما هنوز مرد جنگ است. پس فردا باید رخت نبرد به تن کند، زره بپوشد و کلاه خود بگذارد (حسینی‌نسب، ۱۳۹۷: ۱۶۹). | مقابله با داعش | نظامی و جنگی |
| - شب مهران، شب پرمزوراز است؛ خاطرات یکی پس از دیگری از مقابل ذهنم عبور می‌کنند تا به عملیات والفجر ۵ در نزدیکی همین مهران پرازدحام می‌رسم (حسام، ۱۳۹۵: ۴۶). | دفاع مقدس | نظامی و جنگی |
| - آن‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم از ینگه‌دنیا (آمریکا) با ناوهایشان به این طرف دنیا (عراق) آمده بودند و حالا آن تروریسمی که بهانه لشکرکشی‌شان بود (همان: ۵۷). | جنگ آمریکا | نظامی و جنگی |

| | | |
|---------------------------------|--------------------------------------|---|
| <p>جغرافیا و معماری</p> | <p>معماری</p> | <p>- از در ساختمان حرم که وارد شدیم، ضریح این دو پیامبر عظیم‌الشان در سمت چپ قرار داشت. ساختمان حرم یک سالن تقریباً شصت_هفتادمتری بود با ارتفاع حدود ۵ متر؛ به‌علاوه یک اتاق شاید ۱۵ متری، با ارتفاع کمتر و با سقف طاق ضربی (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۷۲).</p> |
| <p>معماری</p> | <p>شهرها</p> | <p>- میانه راه شهر کربلا به شهر نجف، ماشین‌ها ایستاده بودند به مقصد هر جا جز نجف؛ الانبار، شلمچه، بصره... تریلی هجده چرخ از دور آمد. یکی به زبان فارسی داد زد: «نجف، نجف میره.» (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۳۰۵)</p> |
| <p>پذیرایی</p> | <p>خوردنی</p> | <p>- اولش رفتیم در خط بسته‌بندی. شام قیمه عراقی داشتیم. تقریباً همان قیمه ایرانی بود، با این تفاوت که گوشت چرخ‌شده تویش ریخته بودند (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۱۷۵).</p> |
| <p>اسامی</p> | <p>رهبران جهان اسلام</p> | <p>- جوان عراقی پاسخ محبت رضا را قاطع تر و با مخلفات بیشتری می‌دهد: «أنا نه تنها أَحَبُّكَ بلکه أَحَبُّ الإمام الخامنه‌ای، سید حسن نصرالله.» (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۲۰)</p> |
| <p>اسامی</p> | <p>شهدای کربلا و یزیدیان</p> | <p>- تنها صدای غل‌وزنجیر می‌آید که بر پای آل‌الله بسته می‌شود. طلایه‌داران کاروان چهل‌نفره زینب <small>علیها السلام</small>، دختر علی و خواهر حسن و حسین، و برادرزاده اش، علی بن‌الحسین، زین‌العابدین <small>علیه السلام</small>، بودند. در این سو، ابن‌زیاد، شمر بن ذی‌الجوشن، خولی، شیث بن ربیع و عمر سعد را فراخواند (حسام، ۱۳۹۵: ۲۲).</p> |
| <p>عربی</p> | <p>شهدا</p> | <p>- شهید همدانی یک اربعین سلوک عاشقانه داشت؛ یعنی چهل سال موهایش را در آسیاب جهاد سپید کرد و اربعین شهادتش با اربعین سیدالشهدا مقارن شد (همان: ۱۴۶).</p> |
| <p>عربی</p> | <p>ادعیه</p> | <p>- قدم‌به‌قدم آب است و مآکولات از هر نوع. گلویم خشک است و ذره‌ذره وجودم آب می‌شود؛ در هوای دوستانی که تشنه و تنها «بَدَلُوا مُهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ <small>علیه السلام</small>» شدند (همان: ۱۳۰).</p> |
| <p>قرآنی</p> | <p>قرآنی</p> | <p>- درست شبیه روز قیامت که «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (همان).</p> |

| | |
|--------|---|
| مکالمه | - با لحن سؤالی گفتیم: «مزار السید علی قاضی؟» با نگاهش به ما فهماند که متوجه منظورمان نشده است. یادم افتاد که "این" یعنی "کجاست"، این بار گفتیم: «این مزار السید علی قاضی؟» (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۷۲) |
|--------|---|

۵-۱-۲. سطح نحوی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های زبانی سفرنامه‌ها، روایت غیررسمی و دوستانه است؛ این ویژگی با شیوه‌های جابه‌جایی ارکان جمله، به‌کارگیری گزاره‌های عامیانه، به‌کار بردن ضرب‌المثل‌ها، دگرگونی در ساختار اشعار شاعران بزرگ، اشعار عامیانه و... شکل می‌گیرد. به نظر می‌رسد دلیل اصلی این نوع روایت، فراهم‌سازی احساس صمیمیت بیشتر خواننده با متن است:

- می‌گوید: «چطوری کربلایی زوری...؟! آری، نابرده زور، دیدن این نور میسر نمی‌شود!» (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

- نور انداخته توی صورتم و نهییم زده که های! چراغ ماشینت را خاموش کن و بزنی بغل (حسینی‌نسب، ۱۳۹۷: ۱۲۲).

- دوباره به یک سفر فکر می‌کنی و می‌گویی: «باید خودشون بطلبن، باید خودشون اذن و اجازه بدن.» (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۱۴۹)

همچنین به تناسب رویدادها، نویسندگان بخش‌هایی از آیات قرآن، ادعیه، زیارات و برش‌هایی از متن نوحه و مداحی را در متن استفاده می‌کنند. به‌کارگیری شعرها محدود به اشعار مذهبی نیست؛ بلکه بیت‌هایی از شاعران -بیش‌تر سعدی و حافظ- را می‌توان بارها در متن دید (ن.ک: همان: ۲۱؛ حسام، ۱۳۹۵: ۱۳۶):

- اولین شب بعد از پیاده‌روی، تمام نمی‌شود حرف‌هایش: «من بیست و هشت سال است پدر را ندیده‌ام... من یتیم به دنیا آمده‌ام! پدر، دعا کن یتیم نمیرم... یا ابانا، استغفرلنا ذنوبنا...» (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۱۰)

- با همسر و فرزندان به این نقطه از عالم آمده تا سر بر آستانی بگذارد که برایش گفته‌اند:

هر خم از زلف پریشان تو زندان دلی است/ تا نگویی که اسیران کمند تو کم اند

(حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۲۵۸)

در سفرنامه‌ها، جمله‌ها و اصطلاحات انگلیسی به‌اشکال گوناگون در متن به کار برده شده‌اند؛ در بعضی از بخش‌ها عیناً جملات انگلیسی آمده و در بخش‌های دیگر، جملات انگلیسی با شیوه نگارش فارسی درج شده است:

"How did you find imam Hossein" دخترک استرالیایی در عمود ۱۳۹۹ رویش را از دوربینی که دارد با او مصاحبه می‌کند، برمی‌گرداند. در جواب سؤالی که از او پرسیده است، نگاه می‌کند و می‌گوید:

"He found me"؛ امام حسین علیه السلام مرا پیدا کرد (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۸۷).

- به رضا قسیم‌جی می‌گوییم: «پروفیسور، اجازه می‌دهی از همسرت هم بپرسم چرا اینجاست؟» لبخندی می‌زند. می‌گوید: «نو پرابلم. دونت وری. شی ویل انسر آل آو یور کوئشن ابوت دیز ایونت.» (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۴۵)

۳-۱-۵. زبان طنزآمیز

یکی دیگر از برجستگی‌های سفرنامه‌های موردبحث که می‌توان آن را هم در دسته‌بندی زبانی و هم در بخش ادبی بررسی کرد، استفاده از طنز است. موقعیت زمانی و مکانی روایت‌های طنزآمیز بیشتر در راه و پیش از ورود به کربلا، نجف و اماکن متبرکه است. محل وقوع نیز بیشتر در مسیر راهپیمایی است. نویسندگان با به کارگیری سازوکارها و شگردهای مبتنی بر کاربرد زبان طنزآمیز و درون‌مایه طنز، مخاطب را با فرهنگ مردم عراق، حال و هوای زائران اربعین و کمبودها و کاستی‌ها آشنا می‌کنند که در ادامه به تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم:

- خروپفی‌ها را نشان می‌دهد. پدر ناخوش، انگار قایق موتوری قورت داده‌اند و نگاه عاقل اندر سفیهی به من که در حال نوشتنم، می‌اندازد و می‌پرسد: «این وقت شب مشق می‌نویسی؟» (حسام، ۱۳۹۵: ۵۲)

- حالا در مورد ماتریالیسم تاریخی و آرای هگل و مارکس و انگلس و هایدگر و باقی حضرات - نه حتی در مورد اخوان ثالث و شاملو و سایه و سیمین بهبهانی و سعدی - و نه اقلاً در مورد نسبت تاریخی قرمه‌سبزی و سالادشیرازی (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۷۴).

نویسنده با فرارگیری در یک موقعیت خاص، رفتار، شیء، شخص و... را با موقعیتی همسان مقایسه می‌کند؛ این نوع طنز که در سفرنامه‌ها فراوان دیده می‌شود، عمدتاً هنگامی به کار می‌رود که نویسنده قصد دارد وضعیت جامعه عراق - و گاهی کشورهای دیگر - را از منظر فرهنگی، اجتماعی و... با ایران مقایسه کند:

- صدای قرآن پخش می‌شود. این در عراق یعنی اینکه چیزی نزدیک به یک ساعت، به اذان مانده است. از آنجاکه ما عادت نداریم زیاد قبل از اذان در مسجد یا سر سجاده حاضر شویم و منتظر بمانیم و بلکه عادت داریم بنابر احتیاط کامل و واجب، دقایقی هم بعد از اذان سراغ نماز برویم، و قتمان تلف نشود! (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۴۸)

- آنچه من از رفتار میزبانان عراقی می‌فهمم، این است: حکمت این کرامت و تکریم و احترام به مهمان، به این خاطر نیست که طرف انتظار دارد عوضش را وقتی که گذرش به خانه تو (به مشهد یا قم) افتاد، تو به نحو احسن از او دریایی - که اگر هم داشت، چیز زیادی شاید دستگیرش نمی‌شد! - (همان: ۱۱۵).

موضوع تفاوت زبانی نیز انگیزه به وجود آمدن موقعیت‌هایی طنزآمیز شده است. نویسندگان در طنزهای برگرفته از تفاوت زبانی و گویشی با افراد دیگر، عباراتی را بیان می‌کنند که با استفاده از شمار اندکی از واژه‌های عربی، انگلیسی و... ساخته شده‌اند:

- احمد ازش می‌پرسد: «کن یو اسپیک انگلیش؟» جوان می‌گوید: «لا لا، به هیچ وجه!»
احمد بلافاصله می‌گوید: «عوضش انا فول!» از انگلیسی همین یک جمله را بلد است! به قیافه تأثر باری که بخواهد بگوید حیف شد، حالا دیگر نمی‌توانیم حداقل با هم به انگلیسی حرف بزنیم، ادامه حرفش را با «اُنا اُحبک!» پی می‌گیرد (همان: ۱۲۰).

مفاهیم و اصطلاحات مذهبی نیز محور آفرینش نوع ویژه‌ای از طنز هستند. نویسنده - بی‌آنکه درون‌مایه‌ای توهین‌آمیز وارد متن کند - از اصطلاحات مذهبی استفاده کرده است:

- پیر مرد بعد از مشیت و مال، به گروهش که حدود ده-دوازده نفر هستند، می‌گوید که هر کدام برای سلامتی رضا ده تا صلوات بفرستند. کاسبی به صرفه‌ای است؛ از یک تسبیح بیشتر می‌شود (همان: ۱۵۸).

- یکی فریاد می‌زند: «شب اول قبر، از فشار خفه نشوی، صلوات بفرست!» و به همین قاعده، با یک فشار لذت بخش - و البته آمیخته با تکبیر و صلوات - از مرز عبور می‌کنیم و پایمان به خاک عراق می‌رسد (حسام، ۱۳۹۵: ۵۸).

- گذرنامه‌ها را بررسی می‌کردند؛ ولی متأسفانه آن درجه‌دار عراقی که از اتوبوس بالا آمد، با یک صلوات بچه‌های ما لبخندی زد و بی‌خیال بررسی گذرنامه‌ها شد. داعشی‌ها همین طور از لایه‌های امنیتی نیروهای نظامی عراقی عبور می‌کنند (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۳۹).

وجود تفاوت‌های فرهنگی میان جامعه ایرانی و عراقی، نیز زمینه ساخت موقعیت طنزآمیز را فراهم می‌کند:

- پذیرایی عراقی‌ها در خانه‌هایشان - تا به اینجایی که من دیده‌ام - به گونه‌ای است که انگار قصد دارند تمام آن کالری را که قرار است در پیاده روی نجف تا کربلا مصرف شود، طی یک_دو وعده به خورد میهمان بدهند! (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۱۴)

- توی عراق اما پلیس‌ها راحت‌اند؛ لباس نظامی حالی‌شان نیست. هر جا که بطلبد، سیگار را درمی‌آورند و یکی آتش می‌کنند. به اندازه پلیس‌های وطنی هم سگرمه‌هایشان درهم است... حالا این یکی البته می‌خندد؛ حسون را می‌گویم (حسینی‌نسب، ۱۳۹۷: ۳۳).

۵-۲. سطح فکری

با بررسی سطوح زبانی و ادبی آثار، می‌توان به این نکته رهنمون شد که همه تمهیدات برای سوق مخاطب به دریافت اندیشه مسلط بر اثر است که از عمق متن برمی‌آید. در واقع، سفرنامه بازتاب نوع نگاه نویسنده و افراد حاضر در این راهپیمایی به دنیای پیرامونشان است. سبک نویسنده همان جهان بینی وی است در قالب تصویر و به وسیله زبان. از این رو، مطالعه سبک نویسنده و هدف‌هایی که از آن دارد - جدا از محتوا و عقیده و تصویرواره‌هایی که در پس آن است - کاری ناممکن (خراپچنکو، ۱۳۶۴: ۹۷).

این موضوع که اربعین خاستگاه دینی دارد و زاده اسلام و تشیع است، سخن درستی است؛ اما آثار و پیامدهای آن در دایره دین و مذهب محصور نیست، بلکه دارای ابعاد پیچیده

و درهم‌تنیده با موضوعات گوناگون است.

فهم اربعین و تحلیل اربعین، به عنوان پدیده‌ای صرفاً مذهبی، نوعی تقلیل‌گرایی جدی است که فهم آن و نیز تعامل مؤثر و مدبرانه با آن را به صورت جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد (سلیمانیه، ۱۳۹۷: ۴۰). در آثار موردبررسی، سطح فکری و درون‌مایه آثار در دسته‌بندی‌های زیر قابل ارائه است:

۵-۲-۱. بصیرت سیاسی

نگارش سفرنامه‌ها تا حدود زیادی ریشه‌ای سیاسی دارد؛ از این رو، شمار قابل توجهی از سفرنامه‌ها، از سوی افراد سیاسی نگاشته شده‌اند. برای نمونه، در دوره صفوی، برخی از سیاحان مأمور سیاسی دولت بودند و مأموریت آن‌ها بررسی نقاط ضعف و قدرت نیروی سیاسی و نظامی ایران بوده است که همین موضوعات را در سفرنامه‌های خود منعکس کرده‌اند (پناهی، ۱۳۸۸: ۶۱). به همین دلیل، چندان دور از انتظار نخواهد بود که خواننده سفرنامه‌های اربعین، در برش‌های مختلفی، شاهد محتوای سیاسی باشد.

در سفرنامه‌های موردبررسی، نویسندگان با بازنمایی رفتار و گفتار راهپیمایان، دیدگاه خود را درباره جهان اسلام انعکاس داده‌اند. از پربسامدترین اشارات در این آثار، انعکاس مشکلات مسلمانان است که در صدر آن، مسائل فلسطین و مظلومیت مردم مسلمان نیجریه، آفریقا، میانمار و... قرار دارد. شرکت‌کنندگان در این راهپیمایی، پدیدآورندگان خشونت‌ها و نفرت‌پراکنی‌ها علیه مسلمانان و شیعیان را جریان وهابیت، آل سعود، آل خلیفه، رژیم صهیونیستی و آمریکا می‌دانند. افزون بر این، حرکت خزنده جریان‌های نفاق نیز از چشم راویان پنهان نمانده است؛ به طوری که رویکردهای غیراصیل شیعی در جریان اربعین، یعنی شیعه لندنی، از سوی زائران موردبازنمایی حقیقی قرار گرفته است.

۵-۲-۲. دغدغه‌مندی نسبت به ملت‌های مسلمان

در روایات اسلامی، موقعیت مؤمنان و مسلمانان در قبال یکدیگر و وظیفه آنان در برابر هم بیان شده است. حضرت رسول ﷺ فرموده‌اند: «الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئاً مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ الْبَدَنِ»؛ مؤمنین برادر یکدیگر و همچون اعضای

یک پیکرند؛ هنگامی که عضوی ناراحت و بیمار شود، دیگر اعضا نیز آن ناراحتی را احساس می‌کنند (مجلسی، ج ۶۱، ص ۱۴۸، ح ۲۵). از این رو، یکی از نکات برجسته در سفرنامه‌های مورد بررسی، لزوم دغدغه‌مندی در برابر مسلمانان است:

- انتخاب این جمله روی بیرق، بهانه سؤال من می‌شود؛ اینکه چرا این شعار؟ می‌گوید: «خیلی فکر کردم که برای این مسیر چه بیرقی را با چه شعاری حمل کنم، تا به این جمله راهبردی امام خمینی رسیدم و امروز حضرت آقا (رهبر معظم انقلاب) نیز همان هدف‌گذاری را که امام داشت، دارند. ایشان می‌فرمایند که: "دنیای استکبار در ائتلاف با اندیشه‌های سلفی و تکفیری، جریاناتی مثل القاعده و داعش را درست کرده است که ذهن ما را از مسئله بزرگ جهان اسلام، یعنی قدس شریف و مبارزه با صهیونیسم، بازدارند."»
بعدها از این تطبیق زیبا، از من می‌پرسد که: «شما اهل کجایی؟» (حسام، ۱۳۹۵: ۱۲۸)

- بحرینی‌ها ممنوع‌السفرند به ایران. دولت ایران ممنوع‌السفرشان نکرده، بلکه دولت خودشان، بحرین، اجازه سفر به ایران را از آن‌ها گرفته است... خلاصه اش این است که می‌خواهم بگویم از قبل تر می‌دانستم که بحرینی‌ها در این شرایط خاص ناامنی کشورشان، حتی در خارج از کشور هم تحت نظرند و خیلی طبیعی است که راحت صحبت با من نکنند و راحت غریبه‌ای را -آن هم از ایران- در جمع خودشان نپذیرند (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۱۵۶-۱۵۷).

۳-۲-۵. دشمن‌شناسی و موقعیت‌شناسی

- در راه، کاریکاتورهایی از ملک سلمان و او با ما و نتانیاهو به بعضی تیرهای چراغ برق و داربست‌های فلزی نصب کرده بودند. تقریباً تمامی عکس‌های ملک سلمان پاره شده بود. خودم نوجوان عراقی را دیدم که از داربست فلزی بالا رفت و عکس ملک سلمان را با چاقو پاره کرد. عکس امام و رهبری هم به همراه عکس‌هایی از آیت‌الله سیستانی و آیت‌الله حکیم و آیت‌الله صدر دیده می‌شود. بعضی‌ها را شهرداری و نهادهای حکومتی عراق زده‌اند، اما بعضی دیگر را احزاب و گروه‌های مردمی و موکب‌دارها. خوشم می‌آید از بچه‌هایی که وقتی در جمع کارکنان موکب خودمان می‌خواهند صلوات بگیرند، اسم آیت‌الله سیستانی را اول

می‌برند؛ این کارها محبت را زیاد می‌کند (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۱۶۰).

- پشت این اتاقک‌های شیشه‌ای مرزبانی، تا چند سال پیش، آمریکایی‌ها می‌نشستند و عکس از چشم و اثرانگشت از زائران ایرانی می‌گرفتند. حالا اثری از آن‌ها نیست؛ رفته‌اند. اگرچه بذر طاعونی به نام «داعش» را پاشیده‌اند و رفته‌اند. آن‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم از ینگه دنیا (آمریکا) با ناوهایشان به این طرف دنیا (عراق) آمده بودند و حالا آن تروریسمی که بهانه لشکرکشی‌شان بود، از بطن اندیشه‌های سلفی، وهابی، بعثی و صدامی سربرآورده‌اند و سرها می‌برند کنار دجله و فرات؛ یعنی همان‌جا که سپاه عمر سعد سر می‌بریدند و... بگذاریم و بگذریم (حسام، ۱۳۹۵: ۵۷).

۵-۲-۴. نقد شیعه لندنی

- پشت کوله دو جوان، توهینی به یکی از خلفا نوشته‌اند. حاج آقا باهاشان صحبت می‌کند. کمی بحث می‌شود؛ اما آن‌ها مقلد حاج آقا نیستند؛ مقلد بزرگ‌تر از حاج آقا هم نیستند؛ مقلد همین شخصی‌اند که عکسش در قدم به قدم این مسیر، با کیفیتی در حد دوربین‌های انگلیسی! چاپ شده، بنر شده، بزرگ شده و «من» نمایی می‌کند... این‌ها رساله عملی‌شان را از شبکه‌های جهانی ماهواره‌ای دانلود می‌کنند (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۳۲).

- کمی جلوتر مرغ می‌دهند؛ اما به هرکسی نه! باید حتماً بروی سر سفره‌اش بنشیند تا او بتواند برای روز مبادا مستندسازی کند که من سفره امام حسین علیه السلام باز کردم (همان).

۵-۲-۵. انعکاس مسائل عراق

از مفاهیم پرتکرار در سفرنامه‌های اربعین، بازنمایی مظاهر گوناگون زندگی مردم عراق است. از جمله موضوعات پربسامد در این شاخه، عشق و دلدادگی مردم عراق به اهل بیت علیهم السلام، تکریم زائران حضرت اباعبدالله علیه السلام و وحدت میان مردم عراق و ایران است. سفرنامه نویسان با زبانی جدی و طنزآمیز، به بازتاب زندگی اقشار مختلف مردم عراق، به ویژه اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر در روستاها و حواشی شهرهای بزرگ، پرداخته‌اند. افزون بر این، مسائلی مانند نبود قوانین مدون در برخی از حوزه‌ها، ضعف سیستم اداری و امنیتی و...، از جمله موضوعاتی است که نویسندگان به آن‌ها توجه کرده‌اند:

- جلوی در دکان چند تا بچه بازی می‌کنند. یکی شان توی کارتون خالی مواد شوینده نشسته است و بچه‌های دیگر او را هل می‌دهند. بچه‌ای که توی جعبه نشسته، از بقیه کوچک‌تر است. آب بینی‌اش در هوا آویزان است. تفریحات بچه‌های خاورمیانه چقدر به همدیگر شبیه است. یک دکان کوچک بقالی توی مسیر فرعی می‌بینیم. این مسیر فرعی، شکل روستایی در میانه راه نجف به کربلاست. من توی دکان را نگاه می‌کنم. دکان هیچ چیز ندارد؛ چند تا قوطی مواد شوینده و چند پاکت سیگار، کل چیزهایی که اینجا می‌فروشند (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

- اما اصلاً در عراق، مگر ایمنی کجای زندگی است؟ عراق هیچ‌وقت برای راندگی جای ایمنی نیست؛ برای زندگی هم... بعدتر فهمیدم که چیزی به نام بیمه ماشین، اساساً در عراق تعریف نشده است. یکی از راننده‌های عراقی می‌گفت: «اینجا وقتی کسی با ماشین آسیب جانی به کس دیگری می‌زند، قانون از او حمایت نمی‌کند. عشیره قربانی تصادف، می‌افتند دنبال راننده خاطی و یا خسارت را از او می‌گیرند، یا اگر در گرفتن خسارت ناکام بمانند، به او خسارت می‌زنند. نکته بدتر اینکه هیچ مرجع رسمی‌ای هم برای تعیین خسارت وجود ندارد. هر عشیره‌ای که تیغش بیشتر برید، خسارت بیشتری از راننده خاطی می‌گیرد.» (حسینی نسب، همان: ۱۴۴-۱۴۵)

۵-۲-۶. عشق و دلدادگی مردم عراق به امام حسین علیه السلام

- صحنه‌های غریبی می‌بینم که بیانگر اوج باورهاست؛ عرب‌های فقیری که خانوادگی از دورترین شهرها، مثل بصره، قریب به یک ماه پیاده آمده‌اند تا در روز اربعین در کربلا باشد. آن‌ها جان و مالشان را برای هدیه آورده‌اند و این مسیر هفتصدکیلومتری را با کفش‌های بی‌بند و ساده، با دمپایی‌های پلاستیکی پاره طی می‌کنند. یکی همراه خود گوسفند آورده و یکی دیگر شتر، تا نذر خود را در کربلا ادا کند (حسام، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

۵-۲-۷. سفر فرامادی و درک امور قدسی

طلبیده شدن از سوی امام حسین علیه السلام، توفیقی بودن درک راهپیمایی، کنار رفتن اسباب و علل مادی و داشتن انتظار شفاعت، از جمله کلیدواژه‌هایی است که در سفرنامه‌ها به چشم می‌آید.

مجموع این اصطلاحات، سفر یادشده را از گردونه سفرهای عادی و مادی خارج می‌کند. علاوه بر این، احساس افراد حاضر درباره رسیدن به یک هویت واحد، تحت تأثیر نهضت امام حسین علیه السلام، باعث می‌شود که این سفر، بیرون از دایره محاسبات مادی باشد.

۵-۲-۸. هویت شیعی

- قربان امام حسین علیه السلام بروم که هم زیر قبه اش، هم در مسیر حرمش، همه انگار با هم برادرند؛ همه اهل یک خانواده‌اند؛ تو هم برادر منی، خویش منی، پاره تن منی! (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۲۳)

- عاقبت دوستی ما؟ ما را حسین علیه السلام به هم رسانده است... ما نسبتمان را از امام حسین علیه السلام گرفته‌ایم. دوستی ما، دوستی حسین علیه السلام است. ما نه با هم، که با تمام آدم‌های توی این راه دوستیم؛ همین قدر و بلکه بیشتر! نقطه اتصال ما با آدم‌های توی این مسیر حسین علیه السلام است. حسین علیه السلام است که ما را آورده اینجا و اوست که ما را اینجا با هم آشنا کرده و اوست که در این دشت بزرگ، ما را سیر کرده و نگذاشته حتی نگران لوازم سفرمان باشیم. دوستی ما خیلی عمیق است؛ ما از یک برادری دیرینه حرف می‌زنیم (همان: ۱۵۶-۱۵۸).

- اینجا از همه ملیت‌ها، رونده‌ها شانه‌به‌شانه هم خوابیده یا نشسته‌اند؛ جامعه کوچکی از مدینه فاضله اسلامی که همدلی و اندیشه واحد، مرزهای جغرافیایی را درنوردیده و دیگر رنگ پوست و لهجه و زبان، ملاک یکدلی نیست (حسام، ۱۳۹۵: ۱۱۶-۱۱۷).

۵-۲-۹. طلبیده شدن از طرف امام حسین

- "How did you find imam Hossein?" دخترک استرالیایی در عمود ۱۳۹۹ رویش را از دوربینی که دارد با او مصاحبه می‌کند، برمی‌گرداند. در جواب سؤالی که از او پرسیده است، نگاه می‌کند و می‌گوید: "He found me"؛ امام حسین علیه السلام مرا پیدا کرد... (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۸۴).

- صدایم زدی. خواندی، کشاندی ام به اینجا که فکرش را هم نمی‌کردم... این یک دم آخر بگویمت یک چیزی؟ خواندی، راه دادی، آب و نان و آذوقه و توشه سفر دادی، قوه دادی تا بروم و بیایم (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۳۱۶).

- دوباره به یک سفر فکر می‌کنی و می‌گویی: «باید خودشون بطلین، باید خودشون اذن و اجازه بدن.» (کلاته عربی، ۱۳۹۵: ۱۴۹)

۵-۲-۱۰. اعتقاد به توجه امام حسین علیه السلام به افراد

- دکترهایی که او را معاینه می‌کنند، اما حرف همه‌شان یکی است: «بچه رفتنی است. امروز اگر تمام نکنند، فردا خواهد مرد. این را بپذیرید و سعی کنید با مسئله کنار بیایید.» زینب علی، این‌ها را برای تو می‌گوید: «بچه را سپردیم به امام حسین علیه السلام؛ همین دیگر، پزشک اصلی اوست.» ... زن می‌داند درمان پسرش را باید از که بخواند. معجزه از آستین حسین علیه السلام بیرون می‌آید و پسر - که به شهادت دکترها ماندنی نیست و رفتنی است - سالم می‌شود و زنده می‌ماند و زندگی می‌کند (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۲۲۳).

۵-۲-۱۱. پیدا کردن راه با امام حسین علیه السلام

- ایشان قبل‌ترها مسیحی بوده، اما بسیار اهل تحقیق و مطالعه است. کتاب‌های بسیاری در مورد ادیان و مذاهب مختلف خوانده. در بین کتاب‌هایی که خوانده، کتابی درباره امام حسین علیه السلام می‌بیند و از طریق آن کتاب با امام حسین علیه السلام آشنا می‌شود. می‌گوید آن کتاب باعث شد که بفهمد امام حسین علیه السلام روح تشیع است و بدون حرکت امام حسین علیه السلام، تشیع پیکره‌ای مرده بود. ایشان بعد از مطالعه آن کتاب، علاقه مند می‌شود تا در مورد امام حسین علیه السلام بیشتر بداند؛ بنابراین، کتاب‌های دیگری درباره تشیع و مشخصاً امام حسین علیه السلام مطالعه می‌کند. در واقع، همان‌طور که خود آقای گسنوف گفت، ایشان اسلامش را از امام حسین علیه السلام دریافت کرده است (همان: ۲۳۷).

۵-۲-۱۲. کنار گذاشتن قشربندی‌های مادی و قومیتی

- من مشغول تفلسفم. نشسته‌ام روی همان سکو و دارم برای تو می‌نویسم. آن بحرینی‌ها و این سعودی، همگی با هم رفته‌اند. غالب، لخ‌لخ‌کنان دنبالشان راه افتاده. بحرینی‌ها و سعودی‌ها و هندی‌ها و ترک‌ها و روس‌ها و ایرانی‌ها و سوری‌ها و تو، از همه روندگان یک طریقت که راه گم نکنید (همان: ۱۶۲).

۵-۳. بازتاب دفاع مقدس و جریان مقاومت اسلامی در مقابل مستکبران و جریان‌های

تکفیری

در میان موضوعات پربسامد در سفرنامه‌های موردبررسی، مقوله جنگ جایگاه ویژه‌ای دارد؛ نویسندگان به تناسب فضای حاکم بر زمان و مکان روایت، ابعاد و برش‌های خاصی از جنگ را در آثار خود بیان کرده‌اند. خواننده در برخی آثار، به ویژه در کتاب «خس بی سروپا»، شاهد پیوند پیوسته جریان دفاع مقدس با پیاده‌روی اربعین است. مطالب گسترده این بخش، در دسته‌بندی‌های زیر قابل ارائه است:

۵-۳-۱. رشادت‌های رزمندگان و شهدا

- از گفتگوهای پیرمرد و گروهش متوجه می‌شویم که این‌ها همگی از پاسداران و جانبازان دوران جنگ‌اند. میان صحبت‌هایش گریزهایی ناگزیر دارد به جنگ. این راه را به عشق آن روزها می‌روند. وجب به وجب این راه برایشان یادآور جبهه است. نوجوانانی که در نیمه‌های شب، آن قدر گریه کردند و آن قدر چشم‌هایشان نورانی شد که خدا چشم‌هایشان را ازشان گرفت... (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۵۸).

- دلم می‌گوید برای زیارت اربعین، اول اذن زیارت بگیر؛ از همان امامزادگانی که آینه بودند. راهی گلزار می‌شوم. آینه‌ها شانه‌به‌شانه هم ایستاده‌اند. با لبخند نگاهشان و فریاد سکوتشان با من حرف می‌زنند. مزار اسماعیل عسگری اینجا [گلزار شهدای همدان] نیست؛ ولی صدای او را رساتر از بقیه می‌شنوم که می‌گوید: «اگر روزی [بعد از جنگ] راه کربلا باز شد و ما نبودیم، به جای ما زیارت کنید، ولی با معرفت.» (حسام، ۱۳۹۵: ۳۱-۳۲)

۵-۳-۲. انزجار مردم عراق از صدام

- این‌طور که خودش می‌گوید، چندماهی را به اجبار جنگیده و بعد سلاحش را انداخته روی زمین و فرار کرده. به من می‌گوید: «آدم که با برادر خودش نمی‌جنگد. من چطور روی شیعه دیگری تفنگ می‌کشیدم و می‌جنگیدم؟» (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۳۳)

- مرد سیاه‌پوستی را می‌بینم که در حال گفت‌وگو با روحانی‌ای ایرانی است... مرد به قلم پاهایش اشاره می‌کند و تندتند به عربی چیزهایی می‌گوید که چند جمله در میان،

حالی ام می‌شود... می‌گفت زمان جنگ با ایران از سربازی فرار کرده، اما بعضی‌ها دستگیرش کردند. در زندان بدجووری شکنجه‌اش کرده‌اند و پاهایش را سوزانده‌اند. بعد از آن سوختگی نمی‌توانسته تا چند سال درست راه برود. مادرش نذر کرده اگر پاهایش خوب شوند، هر سال بیاید اینجا. حالا ده‌پانزده سال است که پاهایش خوب شدند و ده‌پانزده سال این مسیر را می‌آید و می‌رود (شجاعی، ۱۳۹۵: ۱۷۳).

۵-۳-۳. نقش جبهه مقاومت و پیامدهای جنگ داعش

- پدرم در منطقه ای بین کوت و طوس خرمالو شهید شد؛ به آنجا می‌گویند «زرگه». ترکش‌های یک خمپاره به پدرم و پسرعمویم خورد. پدرم فرمانده بود و پسرعمویش، یعنی پدر من، آمده بود میدان. امانت بود. دویدم سمت پسرعمو و او را بغل کردم. ترکشی که به پسرعمو خورده بود، کوچک بود؛ اما ترکشی که به پدر اصابت کرده بود، کاری بود. روی زمین افتاده بود و سینه‌اش خس خس می‌کرد. داشت جان می‌داد. پدر را که در حال جان دادن دیدم، پسرعمو را رها کردم و دویدم به سمت پدر. پاهای پدر می‌لرزید. سینه‌اش خس خس می‌کرد. دست‌هایش خونی بود. همان‌طور توی بغل من دراز کشیده بود و آهسته، به سختی از گلوی خس دار، بریده بریده می‌گفت: «یا ابالفضل! اغثنی. یا ابالفضل! اغثنی.» (حسینی نسب، ۱۳۹۷: ۱۷۱)

- همان‌طور که شرح خیابان‌های پر از پلیس عراق، شرح حال بیوه‌زن‌های سیاه‌پوش شوهر ازدست‌داده عراقی، شرح حال بچه‌های یتیمی که پدرهاشان پیش چشمانشان ذبح شده‌اند، توضیح وضعیت زن‌ها و دخترهای جوان به اسارت برده‌شده توسط داعش، بهتر می‌تواند حالت جنگ را در عراق وصف کند، تا شرح عملیات‌های حشدالشعبی یا ارتش عراق علیه داعش (همان: ۱۶۸).

۶. نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از بررسی سبک‌شناسی سفرنامه‌های اربعین عبارت‌اند از:
* در تحلیل فراسبکی سفرنامه‌های موردبررسی، نویسندگان به اصول لحظه‌نگاری، اصل پایبندی به مشاهده و بازگویی رویدادها براساس زمان، مکان، رویداد، اسامی و احوال

درونی وفادار بوده‌اند و به منظور عینی‌سازی و انتقال جزئیات، افزون‌بر ابزارهای زبانی_ادبی، از تصویر و نقشه نیز بهره برده‌اند.

* دستگاه زبانی سفرنامه‌ها، متأثر از محتوای آثار بود؛ به گونه‌ای که عمده طیف واژگانی متون، پیرامون اصطلاحات مذهبی به زبان فارسی و عربی (با محوریت زیارت عتبات و قیام عاشورا)، اصطلاحات نظامی (با محوریت دفاع مقدس و جنگ با داعش)، اصطلاحات جغرافیایی، معماری و تاریخی (با محوریت تردد زائران)، اصطلاحات مربوط به پذیرایی عراقی‌ها (با محوریت اسکان، و انواع نذورات: خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها) است. بیشتر اسامی به کاررفته در متن، از آن ائمه معصومین علیهم‌السلام، شهدای کربلا، اسامی شخصیت‌های دینی و مذهبی کشور ایران و عراق، شهدای هشت سال دفاع مقدس و افراد منفور نزد شیعیان است.

* دستاورد به کارگیری ابزارهای زبانی و ادبی در آثار، بازنمایی گفتمان پیاده‌روی اربعین به‌عنوان یک آیین مذهبی، اجتماعی و سیاسی است که در آن، دغدغه‌های جدی ملت‌های مسلمان و مظلوم دنیا به تصویر کشیده شده است. نویسندگان با برجسته‌سازی هویت شیعی، آن را زمینه‌ساز شکل‌گیری یک امت واحد دانسته‌اند.

* انعکاس مفاهیم دفاع مقدس و جبهه مقاومت از محورهای فکری این آثار است که در پیوند با فرهنگ اربعین بیان شده است. میزبانی و حس وحدت میان مردم عراق و ایران و همچنین برجسته‌سازی مشکلات و کاستی‌های کشور عراق، از خطوط فکری مهم سفرنامه‌های اربعین به شمار می‌رود.

۷. پیشنهادها و توصیه‌های پژوهشی

با توجه به اهمیت موضوع و حضور چشمگیر و فزاینده مردم در راهپیمایی اربعین، پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به ذائقه فکری_فرهنگی مردم و نیز تحلیل گفتمان شکل گرفته در این راهپیمایی میلیونی، پژوهش‌هایی به روش‌های میدانی طراحی شود.

کتابنامه

قرآن کریم.

پناهی، عباس (۱۳۸۸). بازتاب فرهنگ و اجتماع ایران در سفرنامه‌های اروپائیان. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ۱۳۳، ۶۱-۶۹.

حسام، حمید (۱۳۹۵). خس بی‌سروپا. تهران، سوره مهر.

حسینی‌نسب، احسان (۱۳۹۷). به سفارش مادرم. مشهد، به‌نشر.

خراپچنکو، میخائیل (۱۳۶۴). فردیت خلاق نویسنده و تکامل ادبیات. (نازی عظیمیا، مترجم). تهران، آگاه.

رضایی، مرتضی (۱۳۹۱). درآمدی بر سفرنامه‌های مسلمانان در عصر عباسی (۱۳۲-۶۵۶ ق). نیمسال‌نامه تاریخ نو، شماره چهارم پاییز و زمستان.

رضوانیان، قدسیه، و احمدی شیخ‌لر، احمد (۱۳۹۶). توصیف در داستان رستم و سهراب. پژوهش زبان و ادبیات فارسی، ۴۴، ۱-۳۱.

رضوانیان، قدسیه (۱۳۸۸). سیر تحولی روایت در ادبیات سفرنامه‌ای ایران. تاریخ ادبیات، زمستان شماره ۶۳، ۱۷۵-۱۹۱.

سعادت، اسماعیل (۱۳۸۸). دانشنامه زبان و ادب فارسی. جلد سوم. تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

شجاعی، تقی (۱۳۹۵). سید من حسینی. چاپ دوم. قم، شهید کاظمی.

شمسی، پارسا، و محمدی، عباسقلی (۱۳۸۹). نظریه توصیف نیما در منظومه سریویلی او. فصلنامه علمی-پژوهشی کاوش‌نامه، ۲۱ (۱۱)، ۱۶۷-۱۸۹.

قاضی طباطبایی، سید علی (۱۳۶۸). تحقیق درباره اول اربعین سیدالشهدا. تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قلعه آقابابایی، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی سفرنامه‌های ابن بطوطه و ابن جبیر. تاریخ جهان، ۷۰، ۵۰-۵۶.

کلاته عربی، جواد (۱۳۹۵). درنگی در نجف. تهران، مؤسسه حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

کلبر، لوتز (۱۳۹۲). الگوهای سفر از سفرهای زیارتی قرون وسطی تا سفرهای مجازی دوران پست مدرن، در تیموتی، دالن جی والس، دانیل اچ، گردشگری، دین و سفرهای معنوی.

(محمد قلی‌پور و احسان مجیدی فرد، مترجمان)، تهران، جامعه‌شناسان.

کوشکی، محمدصادق (۱۳۸۷). بازشناسی هویت انقلاب اسلامی. فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۴ (۴)، ۴۷-۷۴.

مدرس زاده، عبدالرضا، و پورسید، معصومه (۱۳۹۷). بررسی مضامین تعلیمی در سفرنامه‌های ناصر خسرو، نزاری قُهستانی، خسی در میقات جلال آل احمد، پژوهشنامه ادبیات تعلیمی، ۳۹(۱۰)، ۵۶-۹۶.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۳). حماسه حسینی. تهران، صدرا. مجلسی، مجمدباقر، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از نویسندگان، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

میر صادقی، میمنت (۱۳۷۳). واژه‌نامه هنر شاعری. تهران، کتاب مهناز. یوشیج، نیما (۱۳۵۱). حرف‌های همسایه. تهران، دنیا.

Hooshmand, Narguès (2011). Étude générique du récit de voyage. *Plume*, 12 (6), automne 2010 – hiver 2011, publiée en hiver..